

نه تنها در طول
جنگ، سه رئیس
جمهور به شما
دروغ گفتند و
شمارا فریب
دادند، بلکه بعد از
جنگ، بعد از این
شکست باز هم با
قلب واقعیات، با
ساختن فیلم‌های
مختلف، همانگونه
که واقعیات را
در جنگ ویتنام
تحریف کردند

خیلی خوشحالیم که مؤسسه‌ی مطبوعاتی ایرانی مدتی نزدیک به یک سال است که به انتشار خاطرات شفاهی توجه کرده است. بسیار امر مهمی است چرا که خاطرات شفاهی بخشی از تاریخ یک کشور است. ما در قیل از انقلاب هم می‌بینیم که معمولاً سفرا و مقامات کشورهای دیگر یا حتی مقامات رژیم پهلوی، خاطرات شفاهی دارند و امروز خیلی از مورخین وقتی بخواهند تحقیقی کنند، به آن خاطرات استناد می‌کنند. ما واقعاً جای خالی تاریخ شفاهی را در کشور داشتیم و این حرکتی که از سوی نهادهای مختلف داشتیم و به خصوص انتشارات ایران که به این مسئله اهتمام کردند، نکته‌ی مهمی است که من لازم می‌دانم این را تبریک عرض کنم.

در مورد کتاب، دوستان مطالب مهمی را فرمودند. من چند نکته را عرض می‌کنم که خسته هم نشوید. همانطور که اشاره شد و در بیانات هردو برادر هم بود، اکثر کارشناسان و مطلعین معتقد هستند که آمریکا با شکست از افغانستان خارج شد. اما بسیاری از مردم منطقه و حتی مردم افغانستان هنوز شکست آمریکا را نپذیرفتند و باور ندارند و این به دلیل قدرت رسانه‌ای و عملیات روانی یا بخشی از قوت و قدرت نرم آمریکا بوده که توانسته است آنگونه عمل کند که بسیاری از واقعیات را در خصوص این جنگ و این حضور طولانی تحریف شود انتشار این اسناد، مصاحبه با هزار فرد از سوی فردی که خودش خبرنگار و اشنگتن پست است و همچنین مورد اعتماد پنتاگون است، کسی که چندین جایزه گرفته است و به خاطر تحقیقات خود داوطلب دریافت چندین جایزه شده است، ارائه‌ی این اسناد و مصاحبه، شکست آمریکا را برای مردم منطقه و مردم افغانستان باورپذیر می‌کند. یعنی یکی از محسنات این کتاب این است که به مردم می‌گوید نه تنها در طول جنگ، سه رئیس جمهور به شما دروغ گفتند و شما را فریب دادند، بلکه بعد از جنگ، بعد از این شکست باز هم با قلب واقعیات، با ساختن فیلم‌های مختلف، همانگونه که واقعیات را در جنگ ویتنام تحریف کردند و قلب کردند و به گونه‌ای عمل کردند که خیلی از مردم کشور خودشان این باور را کنند که در ویتنام پیروز شدند، به همین شکل هم در افغانستان اینگونه عمل می‌کنند که برای خودشان دستاورد تراشی کنند که حضور ما در افغانستان دستاورد داشته.

نکته‌ی دومی که در صحبت‌های دوستان هم بود و در این کتاب هم به آن اشاره شده است، بی‌اطلاعی رؤسای جمهور، فرماندهان نظامی و مقامات ارشد افغانستان از فرهنگ افغانستان، از گروه‌هایی مثل القاعده، طالبان، دقیق تحلیل نکردن میانی اینها است. طوری که خود آقای رابرت گیتس می‌گوید ما در مورد القاعده هنوز اطلاعات زیادی نداریم. وقتی آنها که هنوز القاعده را خوب نمی‌شناسند و این کار را انجام می‌دهند و این ارتباطات را برقرار می‌کنند، نشان دهنده‌ی این است که در واقع اینها بی‌اطلاع بودند یا صحبتی که در کتاب است و آقای رامسفیلد می‌گوید که هیچ دیدی در مورد اینکه افراد بد کدام هستند، ندارم. یعنی نمی‌دانم کدام خوب است یا کدام بد است. این یک نکته‌ی مهمی است که یک وزیر دفاع کشوری مثل آمریکا به آن اشاره می‌کند.

دوستان اشاره کردند که اینها آمدند تا با مواد مخدر بجنگند. کسی که خشخاش کشت می‌کند، اگر بخواهد دیگر این کار را نکند؛ باید یک کار جنبی برای او درست کنید. باید به فکر درآمدزایی او هم باشید اما آمریکایی‌ها می‌آیند و مزارع را آتش می‌زدند. همانطور که اشاره کردند، به جای اینکه با ریشه بجنگند، به جای اینکه جلوی قاچاق را بگیرند، مزارع خشخاش را آتش می‌زنند و نام آن را مبارزه با مواد مخدر می‌گذارند. در واقع این بی‌اطلاعی